

به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها

مفهوم

- ✦ خداوند، به گفتار، اعتبار و جذابیت می‌دهد.
- ✦ خداوند، ملاک مفاهیم و شیرینی آنهاست.

† زهی گویا ز تو کام و زبانم تویی هم آشکارا هم نهانم †
 † به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید †
 † اگر ما را نیاموزی تو گفتار درازا منزلا و مشکلا کار †
 † دلم پرشعله گردان، سینه پردود زبانم کن به گفتن، آتش‌آلود †
 † به سوزی ده کلامم را روایی کز آن گرمی کند آتش، گدایی †
 † دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین، ده †
 † سخن کز سوز تو تابی ندارد چکد گر آب از او، آبی ندارد †
 † شکرپاشِ زبانهای شکرریز به شیرین نکته‌های حالت‌انگیز †

بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش
 اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها اقبال گردد
 و گر توفیق او یک‌سو نهد پای نه از تدبیر کار آید نه از رای

مفهوم

- ✦ عزّ و ذلّت و عظمت و خواری دست خداست.
- ✦ اگر خدا بخواهد بدبختی‌ها، خوشبختی و همه‌چیز امکان‌پذیر می‌شود.

† یکی را برآرد به ابر بلند یکی زو شود زار و خوار و نژند †
 † یکی را به سر برنهد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت †
 † دو حرفِ اوست کاف و نون هستی بلندی زو پدیدار است و پستی †

+ کسی را که قهر تو در سر فکند به پامردی کس نگردد بلند +

میانجی گری

+ کلاه سعادت یکی بر سرش گلیم شقاوت یکی در برش +

بدبختی

+ سری کز تو گردد، بلندی گرای به افکندن کس، نیفتد ز پای +

+ عزیزی و خواری تو بخشی و بس عزیز تو، خواری نبیند ز کس +

+ به سنگی بخشد آن سان اعتباری که بر تاجش نشانند، تاجداری +

+ گلستان کند، آتشی بر خلیل گروهی به آتش برد ز آب نیل +

+ عزیزی که هر، کز درش سر بتافت به هر در که شد، هیچ عزّت نیافت +

رفت

+ نیل را بر قبطیان حق، خون کند سبیطیان را از بلا محصون کند +

محفوظ

مصریان

+ اگر توفیق او نبود مددگر نگردد هیچ کس هرگز مسخر +

+ و گر خواهد که با راحت فتد کار نهد پا بر سر تخت از سر دار +

+ چو نیرو فرستی، به تقدیر پاک به موری ز ماری بر آری هلاک +

+ چو در لشگر دشمن آری، رحیل به مرغان گشی پیل و اصحاب پیل +

+ گه از نطفه ای نیک بختی دهی گه از استخوانی درختی دهی +

+ چو نام توام جان نوازی کند به من دیو، کی دست یازی کند +

+ به هر ناچیز، چیزی او دهد او عزیزان را عزیزی، او دهد او +

+ ارجمند گرداننده بندگان از خواری، در پای افکنده گردن کشان از سروری. +

+ تعزّ من تشاء و تذلّ من تشاء (هر که را بخواهد عزیز می کند و هر که را بخواهد ذلیل) +

در نایسته احسان گشاده ست به هر کس آنچه می بایست، داده ست

مفهوم

♦ بخشنده گی و احسان و کرم خداوند

♦ بخشش عام الهی